



تبیین بنیان‌های نظری، اقتضائات عملی و ویژگی‌های روش شناختی پژوهش روایی

A Reflection on the Theoretical Fundamentals, Practical Requirements and Methodological Features of Narrative Research

Hoseyn ghorbani
Ahmadreza tavakoli
Fereydoon sharifian

حسین قربانی^۱
احمدرضا نصر^۲
فریدون شریفیان^۳

Abstract:

The present research aims to study and analyze the theoretical and practical aspects of narrative research. Currently, there has been a tendency of alternation in the epistemological direction of teacher training college curriculum from technological to reflective models along with the changes in the concepts and meanings concerning teacher training college. In the reflective models, there is such a close relationship between a teacher's knowledge and practice that curriculum development undergoes teachers' daily experiences and reflections. This is realized in the mentoring courses of Farhangian University, in which the student teachers are required to describe, analyze and share their daily experiences by conducting narrative research. Following such a research method, teacher researchers investigate others' and their own narrations of biological experiences by listening, observing, living, writing and interpreting. With reference to the significance of the issue and lack of relevant Persian sources, the researcher intends to investigate the various aspects of narrative research by studying the relevant documents. Accordingly, the purpose is to study the literature, features and key elements of such a research in the first place. This is continued with an analysis of narrative types, procedure, data analysis, validation and ethical issues from the viewpoint of the experts. The article ends with the discussion of the criticism levelled against the research method and its limitations.

Keywords: narrative research, qualitative research, research method, teacher training college

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، تحلیل و بررسی ابعاد نظری و عمل پژوهش روایی است. امروزه با تغییر و توسعه معانی و مفاهیم مرتبط با تربیت معلم، شاهد یک نوع تغییر جهت‌گیری معرفت‌شناختی در برنامه‌های درسی تربیت معلم، از الگوهای فن‌آورانه به الگوهای فکورانانه هستیم. در الگوهای فکورانانه پیوندی عمیق بین نظر و عمل معلم وجود دارد، به طوری که برنامه‌های درسی از رهگذر تجارب و تأملات روزانه معلمان عبور می‌کند. شاهد این مدعا برنامه‌های درسی کارورزی در دانشگاه فرهنگیان است که در آن دانشجوی معلمان می‌بایست از طریق روایت پژوهی به توصیف، تحلیل و تسهیم تجارب روزانه خود بپردازند. در پژوهش روایی، معلم‌محققان از طریق شنیدن، دیدن، زیستن، نوشتن و تفسیر کردن، داستان‌های مرتبط با تجارب زیسته خود و دیگران را مورد کاوش قرار می‌دهند. بر همین اساس با توجه به ضرورت و اهمیت موضوع و خلأ منابع فارسی مرتبط، پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از روش اسنادپژوهی به واکاوی ابعاد روش‌شناختی رویکرد روایی بپردازد. بنابراین در پژوهش حاضر ابتدا پیشینه، ویژگی‌ها و عناصر کلیدی این روش بررسی شده است. در ادامه انواع روایی، مراحل انجام پژوهش، نمونه‌گیری، روش‌های تحلیل، فرآیند اعتباربخشی و ملاحظات اخلاقی از دید صاحب‌نظران تحلیل گردیده و در بخش پایانی نیز برخی انتقادات و محدودیت‌های پژوهش روایی مورد بحث قرار گرفته است.

کلیدواژه: پژوهش روایی، روش تحقیق، پژوهش کیفی، تربیت معلم

۱. نویسنده مسؤل: دانشجوی دکتری برنامه درسی، دانشگاه اصفهان، ۳۷ghorbani@ut.ac.ir

۲. استاد، گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان، arnasr@edu.ui.ac.ir

۳. استادیار، گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان، f.sharifian@edu.ui.ac.ir

■ مقدمه

"روایت"^۱ از فعل داستان‌سرایی کردن یا با جزئیات توضیح دادن یک داستان مشتق شده است. (کرسول^۲، ۲۰۱۲: ۵۰۲) روایت اصطلاحی مبهم است که هم معانی متکثر و متفاوتی از آن مستفاد می‌شود (شعبانیور کی، ۱۳۸۵: ۸۸)، اصطلاح روایت اغلب با عبارت «داستان^۳» به‌طور مترادف به کار می‌رود (لیزا^۴، ۲۰۰۸). پالکینگهورن^۵ (۱۹۸۸) معتقد است اصطلاح روایت به هر نوع نماد نوشتاری یا گفتاری گفته می‌شود که بتوان آن را در قالب داستان سازماندهی کرد. به زعم اسمیت^۶ (۱۹۸۱) روایت گفتاری است که افراد از طریق آن چیزی را که اتفاق افتاده، به فردی دیگر می‌گویند. لابوف^۷ (۱۹۷۲) نیز روایت را روشی برای گفت-وگویی مجدد در خصوص تجارب گذشته از طریق منطبق ساختن توالی شفاهی از قضایا، با ترتیب وقایع، آن چنان که استنباط می‌شود، عملاً اتفاق افتاده است، می‌داند. (به نقل از ذکایی، ۱۳۸۷) طیف متنوع تعاریف ارائه شده از روایت ما را به عناصر مشترکی چون تجربه^۸ (کلاندینین^۹، ۲۰۰۶، کرسول^{۱۰}، ۲۰۱۲، پالکینگهورن^{۱۱}، ۱۹۹۸)، گفتگو^{۱۰} (گاف^{۱۱}، ۲۰۰۸، کلاندینین و هوبر^{۱۲}، ۲۰۱۰)، داستان^{۱۳} (کلاندینین، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱، کرسول^{۱۴}، ۲۰۱۲)، زمانبندی^{۱۴} (کرسول^{۱۴}، ۲۰۱۲، کانلی^{۱۵} و کلاندینین^{۱۶}، ۱۹۹۰) رهنمون می‌کند.

با در نظر گرفتن این ویژگیها می‌توان گفت، انسانها دائماً در حال داستان‌گویی‌اند. انسانها تصور و معنای جهان خود را در قالب این داستانها طبقه‌بندی و سازماندهی می‌کنند و از طریق این داستانها می‌توان خویشتن هر کسی را فهمید. (لوی^{۱۶}، ۲۰۱۴) بنابراین زندگی روزانه و صحبت‌کردن در مورد داستانهای زندگی یکی از متداولترین فعالیتهای انسانها است. (کلاندینین، ۲۰۱۱) افزون بر این، اگر جهان را روایی‌گونه درک کنیم که چنین نیز هست، پس این معنا ایجاب می‌کند، روایی‌گونه به مطالعه جهان بپردازیم. زندگی همچنان که ما با آن مواجه می‌شویم و بر دیگران می‌گذرد- مشحون از تکه‌روایت‌هاست، قطعاتی که

1. Narrative
2. Creswell
3. Story
4. LISA
5. Polkinghorne
6. Smith
7. Labov
8. experience
9. Clandinin
10. Negotiation
11. Gough
12. Huber
13. Story
14. Chronology
15. Connelly
16. Leavy

در لحظات زمانی و فضایی داستانی ثبت می‌شوند و درباره آن اندیشیده می‌شود و برحسب پیوستگی‌ها و گسستگی‌های روایی درک می‌شوند. (شعبانیورکی، ۱۳۸۵: ۸۷) در واقع روایت‌ها جهان‌شمول‌اند و وقتی ما به روایت‌های مشارکت‌کننده‌ها به دقت گوش بسپاریم، نه تنها احساسی که آنها از تجارب زیسته‌شان دارند، بلکه معانی ساخته و خویش آن‌ها را نیز می‌توانیم بفهمیم. بنابراین روایت‌ها نه تنها معانی زیسته افراد، بلکه بسیاری از موضوعات مرتبط با جامعه یا فرهنگ را نیز منعکس می‌کنند. (چاتاکا^۱، ۲۰۰۵: ۸) روایت‌پژوهان تجارب-زیسته و تجارب نقل شده افراد را از طریق شنیدن، دیدن، زیستن، نوشتن و تفسیرکردن مورد کاوش قرار می‌دهند. (کلاندینین، ۲۰۱۱: ۴۶) می‌توان گفت پژوهش‌روایی یک روش و رویکرد تفسیری میان‌رشته‌ای برای فهم تجربیات است. (میتچل و ایگدو، ۲۰۰۳، کلاندینین ۲۰۰۶، کرسول ۲۰۱۲، گاف ۲۰۰۸، پالکینگهورن ۱۹۹۸).

■ بیان مسئله

امروزه پژوهش‌روایی به سرعت و به شکلی عملی در بسیاری از رشته‌ها مورد استقبال قرار گرفته است. دلیل این امر هم تا حدودی به محدودیت‌های متداول در روش‌های تحقیق سنتی، عدم تطابق این روش‌ها با ویژگی انسانها و پیچیدگی رفتار انسانها باز می‌گردد. (وبستر^۲ و مرتووا^۳، ۲۰۰۷) لذا تغییر در معادله ارتباط بین پژوهشگر و پژوهیده، تغییر جهت از اعداد و ارقام به سمت استفاده از واژگان به عنوان داده، تغییر نگرش از حیطه‌های کلی و جهانی به خاص و محلی و پذیرش روش‌های متناوب در شناخت، از عوامل استقبال و کاربست روزافزون روایت‌پژوهی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی و به طور اخص در گستره تربیت معلم بوده است. (بوسلاتو^۴، ۲۰۱۱) افزون بر این، بعد از دهه هفتاد و تغییر جهت‌گیری معرفت‌شناختی، از الگوهای فناورانه به الگوهای فکورانه و بازاندیشانه، پژوهش‌های مرتبط با صورت‌بندی دانش و کنش‌های معلم و بنیاد و هدف‌گذاری تربیت معلم، به سمت تربیت‌معلم فکور تغییر جهت داده است. در نتیجه، مواردی چون پژوهش‌روایی، به اشتراک‌گذاری تجارب شخصی و ثبت و تحلیل رخدادهای تجربه شده به عنوان مهمترین مجاری نیل به این مهم در نظر گرفته شده است. بدین منظور، برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان بر بنیادهایی استوار گردیده است تا در راستای تربیت معلم فکور دانش‌جو معلمان توانائی تحلیل موقعیت‌های واقعی و انطباق آن با یافته‌های نظری را در قالب پژوهش‌روایی کسب نموده و ظرفیت‌های حرفه-ای خود را توسعه دهند. برای مثال، در واحد درسی "پروژه" دانشجویان باید تجارب دوران آموزشی و تجربیات پیشین خود را با استفاده از خودکاوی روایتی، واکاوی، تحلیل و تفسیر

1. Chataika
2. Webster
3. Mertova
4. Buccellato

نموده و در قالب روایت به رشته تحریر درآوردند. در واحد درسی "کارورزی ۱" دانشجو معلم باید از طریق مشاهده تأملی مسئله‌های آموزشی، تربیتی در سطح کلاس درس و مدرسه را شناسایی و با استفاده از شواهد و مستندات علمی آن را تبیین نماید و مشاهدات تأملی و یافته‌های تجربی خود را در قالب پژوهش‌روایی ثبت و گزارش نموده و مجموعه تجربیات شخصی خود را در قالب گزارش روایی ثبت کند. در "کارورزی ۲" دانشجوها باید یافته‌های خود از مشارکت در فرآیند آموزش را در قالب پژوهش‌روایی ثبت و گزارش دهند. در "کارورزی ۳" دانشجوها باید نتایج تجربیات خود از فرآیند طراحی، اجرا، ارزیابی، بازبینی و بازاندیشی را در قالب کنش پژوهی فردی گزارش کنند و نهایتاً در "کارورزی ۴" دانشجوها باید با ثبت و واکاوی تجربیات در فرآیند درس‌پژوهی، یافته‌های حاصل از عملکرد حرفه‌ای خود در سطح مدرسه را گزارش نمایند. بنابراین با آشکار شدن جایگاه روش پژوهش‌روایی در دانشگاه فرهنگیان و چشم‌انداز الگوی تربیت معلم فکور، موجه و منطقی به نظر می‌رسد که این روش بیش از پیش مورد توجه و تأمل قرار گیرد. اما مسئله اساسی این است که بسیاری از دانشجو معلمان، معلمان و اساتید ذهنیت روشنی از این روش نداشته و ظرفیت غنی روش‌شناختی آنرا به گزارش‌نویسی سطحی و توصیف ساده از رخدادها تقلیل می‌دهند. علاوه بر این بررسی منابع داخلی نیز گواه آن است که مراجع فارسی غنی و عمیق در مورد آشنایی با این روش انگشت‌شمار است. بنابراین با توجه به خلأ منابع فارسی و ضرورت روش‌نگری در مورد چپستی و چگونگی انجام پژوهش‌روایی، این مقاله درصدد است تا ضمن تشریح این ابعاد به تبیین ابعاد نظری و عملی این روش بپردازد.

■ روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر از روش اسناد‌پژوهی استفاده شده است. روش اسنادی روشی کیفی است که پژوهشگر تلاش می‌کند تا با استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش خود اقدام کند. در این روش، پژوهشگر بر مبنای یک رویکرد توصیفی - تفسیری داده‌های پژوهشی خود را درباره کنشگران، وقایع و پدیده‌های اجتماعی، از بین منابع و اسناد جمع‌آوری و تحلیل می‌نماید (صادقی‌فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴). از این رو در تحقیق حاضر در راستای تبیین مسئله پژوهش ابتدا مقالات و منابع مرتبط با موضوع بررسی شده است و با تعمق بر ادعاها و مفروضات نظریه‌پردازان مطرح پژوهش‌روایی، مبانی و ویژگی‌های اصلی این روش مورد شناسایی قرار گرفته است تا در نهایت امکان صورت‌بندی علمی چگونگی انجام روش پژوهش‌روایی محقق گردد.

■ پیشینه روایی

انگار همه مواد موجود در جهان را می‌توان ظرفی برای بیان داستان‌های بشر دانست. از این گذشته روایت با همه شکل‌های بی‌پایانش، در همه زمان‌ها، در همه مکان‌ها و در

همه جوامع وجود دارد؛ در واقع روایت با تاریخ نوع بشر آغاز می‌شود (ترینس، ۱۳۹۱). از این رو می‌توان ادعان داشت پژوهش‌روایی اولین و قدیمی‌ترین شکل پژوهش است. اگر ما این را بپذیریم می‌توان گفت که همه سنت‌های پژوهشی به نوعی از روایتگری سرچشمه گرفته‌اند (پترا، ۲۰۰۹). با این اوصاف، خاستگاه پژوهش‌روایی نخست به تحلیل‌های مرتبط با افسانه‌ها و فرهنگ‌عامه^۱ مربوط می‌شود، اما کاربردهای معاصر آن در عصر پست مدرن را می‌توان در پارادایم‌های ساختارگرایی^۲، تأویلی^۳ و تفسیری^۴ پیجویی نمود. (وبستر و مرتووا، ۲۰۰۷: ۲۵) از سوی دیگر، بنیاد فلسفی پژوهش‌روایی را باید در نظریه تجربه‌گرایی جان-دیویی^۵ در تعلیم و تربیت، نظریه عمل‌گرایی و فهم‌روایی جرومرونر^۶ در روانشناسی، نظریه ساختار‌روایی و هماهنگی زندگی دیویدکار^۸ در فلسفه، نظریه پیوستگی و بداهه‌گویی مری-کاترین باتسون^۹ در انسانشناسی و ایده روایت در زندگی و عمل تدریس رابرتکالز^{۱۰} در پزشکی یافت. (لیزا، ۲۰۰۸)

مروری بر ادبیات پژوهش‌روایی نشان می‌دهد که اولین بار کانلی و کلاندینین (۱۹۹۰) از اصطلاح "پژوهش‌روایی"^{۱۱} استفاده کرده‌اند. (وبستر و مرتووا ۲۰۰۷، کرسول ۲۰۱۲) به زعم کانلی و کلاندینین (۲۰۰۰) پژوهش‌روایی اولین و بهترین روش برای فهم تجربیات است (کانلی و کلاندینین، ۲۰۰۰). آن‌ها با مبنا قرار دادن نظریه دیویی (۱۹۳۸) به مثابه بنیاد فلسفی این روش (ترینر^{۱۲} و گری^{۱۳}، ۲۰۱۳)، معتقدند پژوهش‌روایی روشی است برای فهم تجربه که به طور متقابل با همکاری پژوهشگر و مشارکت‌کننده، در طول زمان، در مجموعه‌ای از مکانها و در یک تعامل اجتماعی حاصل می‌شود. بنابراین پژوهشگر با زیستن، باززیستن و بازگویی داستان‌های مرتبط با تجربیات زندگی افراد که به صورت فردی و جمعی است به کاوش می‌پردازد. (کلاندینین، ۲۰۱۱) به طور کلی بررسی منابع علمی نشان می‌دهد که پژوهش‌روایی برآمده از ضعف موجود در روش‌های سنتی کمی/پرسشنامه‌ای (میتچل^{۱۴} و ایگدو^{۱۵}، ۲۰۰۳)، تغییر در نگرش‌های کلی پژوهش و گذر از پارادایم اثبات‌گرایی (بوسلاتو^{۱۶}، ۲۰۱۱)

1. Petra
2. folklore
3. Structuralism
4. hermeneutic
5. Interpretive
6. John Dewey
7. Jerome Bruner
8. David Carr
9. Mary Catherine Bateson
10. Robert Close
11. narrative inquiry
12. Trainor
13. Graue
14. Mitchell
15. Egudo
16. Bucellato



و پاسخ روش‌شناختی به پارادایم اثبات‌گرایی^۱ و فرااثبات‌گرایی^۲ است (لیبلیچ^۳ و توال^۴، ۱۹۹۸) و بنیاد مفهومی و روش‌شناختی آن به نظریه‌های فکورانه^۵ و تفسیری^۶ دهه ۱۹۸۰ در علوم اجتماعی باز می‌گردد. (سوربن^۷، ۱۹۸۰، برونر^۸، ۱۹۸۶، پالکینگهورن^۹، ۱۹۸۸، دنزین^{۱۰}، ۱۹۸۹).

■ مختصات روش‌شناختی روایی

در بعد روش‌شناسی، پژوهش‌روایی بر داستان متمرکز است. داستانها نیز واقعه‌ای روایی تلقی می‌شوند که از طریق مجاری طبیعی در سطوح فردی، جمعی، فرهنگی و جهانی مورد کاوش قرار می‌گیرند. داده‌ها در این روش شامل داستان‌های کتبی و شفاهی، فردی و جمعی و خودزیست‌نگارپهای بزرگ و کوچک^{۱۱} هستند. ریسمن^{۱۱} (۲۰۰۶) معتقد است دو اصل را می‌توان مشخصه اصلی روش‌شناسی روایی دانست: نخست اینکه در این روش داستانها به عنوان هدف و راهنمای پژوهش برای نیل به واقعیت تلقی می‌شوند و دوم، تحلیل‌های روایی با اتخاذ یک راهبرد کلگرا در چهار بعد حاصل می‌شود که عبارتند از: (۱) اقتباس یک لنز میان‌رشته‌ای و چندبعدی، (۲) تلقی داستان به عنوان یک کل واحد، (۳) توجه هم‌زمان به شکل و محتوا (۴) توجه به زمینه. (اسپکتور، ۲۰۱۰: ۲۰۴) بنابراین، پژوهش‌روایی با بازگویی داستانها آغاز می‌شود. چون روایتگری به عنوان یک روش از تأمل و مفاهمه فراتر می‌رود، پژوهشگران قبل، حین و بعد از پژوهش به یک تداوم و پیوستگی در کاوش نیاز دارند. در این فرآیند نیز دو نکته بسیار حائز اهمیت است، نخست گوش سپردن به داستانهای مشارکت‌کننده‌ها و دوم زیست‌دوشادوش^{۱۲} با مشارکت‌کننده‌ها در ارائه داستانها. (لیزا، ۲۰۰۸: ۵۴۲) به نظر کرسول (۲۰۱۲) برای پژوهشگران روایی تشریح تجربیات افراد بر اساس زمینه و بافت پژوهش بسیار مهم است. در بازگردانی روایتها و نقل‌های مشارکت‌کنندگان در قالب مضامین، روایتگر باید زمینه وقوع تجربیات افراد را با جزئیات ارائه کند. در بافت پژوهش‌های روایی مواردی چون: دوستان، خانواده، محل کار، خانه، سازمان اجتماعی، مدرسه یا مکان‌هایی که روایتها و داستانها در آنجا تجربه شده است، کاملاً باید تشریح شود. در پژوهش‌روایی تعداد معدودی نمونه انتخاب می‌شود و به جای این که وسعت اطلاعات مدنظر باشد، عمق اطلاعات مورد تأکید است. از این رو هیچ حجم نمونه ثابتی در

1. positivíšt
2. pošt positivíšt
3. Lieblih
4. Tuval
5. Reflective
6. interpretive
7. Sarbin
8. Bruner
9. Denzin
10. big and small autobiographic
11. Riessman
12. living alongside

این روش وجود ندارد و تعداد نمونه بر اساس پدیده، گروه مورد مطالعه و منطق پژوهش می‌تواند، متفاوت باشد. مسئله مهم این است که برای مطالعه و روشن‌نگری یک پدیده، یک نمونه واحد و متجانس مورد نیاز است. زیرا تجربیات مشارکت‌کننده‌ها از یک پدیده بر اساس عوامل، شرایط اجتماعی و دانش تخصصی تغییر می‌کند و چون شرایط خاص روایت‌های افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، پژوهشگر باید در راستای اهداف تحقیق و بر اساس دلایل موجه روی نمونه‌های هدفمند تمرکز کند. (وبستر و مرتووا، ۲۰۰۷)

روایت‌پژوه باید در کل فرآیند تحقیق مشارکت فعال داشته باشد. زیرا تعامل و همکاری شکاف اداری بین پژوهشگر و مشارکت‌کننده را کاهش داده و باعث می‌شود تا مشارکت‌کننده با آسودگی و اطمینان بیشتر تجربیات خود را بازگو نماید. (کرسول، ۲۰۱۲ کلاندینین و کاین ۲۰۱۳) برای مشارکت و همکاری سه مفهوم ارتباط^۱، مذاکره^۲ و گفتوگو^۳ را بسیار حیاتی می‌دانند. آنها معتقدند ارتباط اصلی‌ترین مقوله در فهم پژوهش‌روایی است زیرا این مفهوم نه تنها فضای ارتباطی بین پژوهشگر و مشارکت‌کننده در فهم زمینه تحقق را در برمی‌گیرد، بلکه اصلی‌ترین روش در ایجاد احساس برای جنبه‌های زمینه‌ای^۴ و زمانی^۵ پژوهش‌روایی است. مذاکره ارتباطی مستمر و پیشرونده بین روایت‌پژوه و مشارکت‌کننده برای زیستی همزمان در بافت پژوهشی است. گفتوگو نیز روشی برای فرارفتن از بافت تحقیق است. گفتوگو فضایی برای شنیدن و یکی شدن با صداها و داستان‌های مشارکت‌کننده و پژوهشگر ایجاد می‌کند. لذا گفتوگو با همکاری توأم مشارکت‌کننده و پژوهشگر شکل می‌گیرد و این مهم فرآیندی نیست که از طریق سؤالات از پیش‌تعیین شده شکل بگیرد. (کلاندینین و کاین، ۲۰۱۳: ۱۶۷)

به زعم کرسول (۲۰۱۲) یکی از عناصر کلیدی پژوهش‌روایی فهم گذشته، حال و آینده افراد است. ترتیب زمانی بدین معنی است که پژوهشگر شرح و روایت‌های زندگی افراد را به شکل متوالی و بر اساس ترتیب وقوع به نگارش درمی‌آورد. از نظر برونر (۱۹۹۱)، روایتها بر اساس گذر زمان و سلسله‌ای از عناصر متوالی به وقوع می‌پیوندد. (وبستر و مرتووا، ۲۰۰۷) کانلی و کلاندینین (۲۰۰۶) نیز معتقدند یکی از مهمترین مقولاتی که پژوهش‌روایی مورد کاوش قرار می‌دهد، زمانمندی است. زمانمندی به این نکته اشاره دارد که افراد و اشیاء پدیده ایستا تلقی نمی‌شوند، بلکه آنها خود را بر اساس یک توالی زمانی در گذشته، حال و آینده توصیف می‌کنند. در حقیقت وجه مشخصه روایت‌ها سازماندهی خطی رویدادهاست. مبنای روایتها اتصال پی در پی و ظاهر شدن داستان در آنهاست. به بیان دیگر روایت-ها دارای یک آغاز، مجموعه‌ای از کنش‌های مداخله‌کننده و به دنبال آن پایانی هستند که

1. Relationships
2. Negotiation
3. Conversation
4. Contextual
5. temporal



منوط به کنش‌های قبلی حادث شده است. روایت‌ها محصورکننده و انعکاس‌دهنده اهمیت روش‌شناختی و تاریخی ترتیب زمانی کنش به شمار می‌آیند (ذکایی، ۱۳۸۷: ۷۱).

روایی برخلاف بسیاری از روش‌های تحقیق کیفی که از مراحل ثابت و مشخصی پیروی می‌کنند، دارای مراحل ثابتی نیست. برای مثال، ریسمن (۱۹۹۳) پژوهش روایی را دارای سه مرحله گفتن، رونوشت برداشتن و تجزیه و تحلیل کردن می‌داند. (به نقل از گوانولی، ۲۰۰۳) یا کرسول (۲۰۱۲) معتقد است پژوهش روایی دارای هفت قدم است که عبارتند از:

۱) تشخیص یک موقعیت برای کاوش بر اساس مسائل آموزشی،

۲) انتخاب هدفمند افراد برای بررسی موقعیت؛

۳) گردآوری داستان یا روایت‌ها؛

۴) بازگویی و بازگردانی داستانها در قالب تمها و زمان‌بندی وقوع آنها؛

۵) همکاری نزدیک با مشارکت‌کننده‌ها در کل فرآیند داستان؛

۶) تدوین یک داستان در مورد تجربیات فردی و اجتماعی مشارکت‌کننده‌ها و

۷) اعتبارسنجی و بررسی صحت گزارشات. بنابراین پژوهش روایی دارای مراحل خطی و تعریف شده‌ای نیست و بر اساس اهداف تحقیق و زمینه مورد کاربست، این روش می‌تواند مراحل عمل کمابیش متفاوتی داشته باشد، اما به طور کلی می‌توان گفت پژوهش روایی دارای مراحل جمع‌آوری داستان و روایتها، ثبت و ضبط آنها، کدگذاری، تفسیر و اعتباریابی است.

■ نوع شناسی پژوهش روایی

پژوهش روایی دارای طیف بسیار گسترده و متنوعی است. برای مثال پاینگر^۱ و همیلتون^۲ (۲۰۱۱) نه رویکرد روایی مشتعل بر: روایت خویشاوندانه^۳، داستان اصلی^۴، همیستگی^۵ و رمزگذاری عددی^۶، داستان به مثابه استعاره^۷، رده‌بندی طبقه‌ای^۸، زیست‌نگاری^۹ و خودزیست‌نگاری^{۱۰}، شناخت^{۱۱} و روایت و پژوهش روایی^{۱۲} را از هم تفکیک کرده‌اند. (به نقل از کیتچن^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۱) کی-سی^{۱۴} (۱۹۹۵) به انواع مختلفی چون: خودزیست‌نگاری، اسناد و مدارک شخصی، خودمردم‌نگاری،

1. Pinnegar
2. Hamilton
3. Familiar narrative
4. Prototypic story
5. Correlation
6. Numeric coding
7. Story as metaphor
8. Taxonomic categorizing
9. biography
10. Autobiography
11. cognition
12. Narrative inquiry
13. Kitchen
14. Casey

زیست‌نگاری، اسناد و مدارک زندگی، روانشناسی قومی، نگارش زندگی، حکایات شفاهی، قوم‌نگاری فردمحور، داستانهای شخصی، تاریخهای قومی، روایت‌های شخصی، زندگینامه‌های قومی، خاطره‌نویسی، مصاحبه‌روایی، داستانهای زندگی، تاریخچه‌زندگی و خاطرات همگانی تقسیم بندی کرده است. (به نقل از کرسول، ۲۰۱۲) دورسون (۱۹۷۶) به مواردی چون عناصر مادی فرهنگی، آداب و رسوم، هنرها، حماسه‌ها، ترانه‌های عامیانه، ضرب‌المثلها، رمانس، چیستان‌ها، شعرها، خاطره‌ها و اسطوره‌ها اشاره کرده است. (به نقل از کانلی و کلاندینین، ۱۳۸۸) کانلی و کلاندینین (۱۹۹۰) نیز نمونه‌هایی مثل: خاطره‌نویسی، دست‌نوشته‌ها، مصاحبه، مشاهده، داستانگویی، نامه نوشتن، خودشرح حال نوشتن، طرح‌های درس کلاسی و روزنامه‌ها را برشمردند.

پاینگر و همیلتون (۲۰۱۱) معتقدند چهار عنصر کلیدی شامل: مسئله پژوهشی، جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌ها، پژوهش روایی را از بقیه رویکردهای روایی متمایز می‌کند. بدین صورت که وجود این عناصر چهارگانه در پژوهش روایی ضروری است، در حالی که در رویکردهای زیست‌نگاری و خودزیست‌نگاری مسئله پژوهشی و تحلیل داده‌ها می‌تواند وجود داشته یا نداشته باشد، یا در رویکرد همبستگی و رمزگذاری عددی عنصر مسئله پژوهشی ضرورتی نداشته، تحلیل داده و ارائه یافته‌ها صورت نمی‌گیرد و فقط به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته می‌شود. (کیچن و همکاران، ۲۰۱۱)

به طور کلی مروری بر مجموعه نوع‌شناسی‌ها نشان می‌دهد که خودزیست‌نگاری، زیست‌نگاری و مصاحبه‌روایی متداولترین نوع روایی هستند. (کلاندینین ۲۰۰۶، گاف ۲۰۰۸، وبستر و مرتووا ۲۰۰۷، کانلی و کلاندینین ۱۹۹۰) با این اوصاف، وجه مشترک همه این روشها مجموعه‌ای از تجارب هستند که حول یک پدیده، در یک طیف زمانی و در یک موقعیت و بافت خاص ارائه می‌شوند. اما چون پژوهش‌های روایی دارای فرضیات و ابعاد چندگانه‌ای هستند، برای استفاده از این روش باید دقیقاً مشخص شود که می‌خواهیم از کدام نوع از این پژوهش استفاده کنیم، چرا که هر نوع از روایت‌ها ساختار و ویژگی‌های خاص خود را دارا هستند. بدین منظور کرسول (۲۰۱۲) معتقد است پاسخ به این پنج سؤال تعیین‌کننده نوع پژوهش روایی است:

۱. چه کسی داستان را می‌نویسد؛
۲. چه مقدار از زندگی افراد قرار است ثبت و ارائه شود؛
۳. چه کسی داستان را فراهم می‌کند؛
۴. کدام دیدگاه نظری قرار است مورد استفاده قرار گیرد؛
۵. آیا می‌توان روشهای متفاوت روایی را با هم ترکیب کرد.

■ روشهای تحلیل روایت

در پژوهش روایی مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها روندی مرحله‌ای و مجزا نیست، بلکه فرآیندی



در حال انجام و مستمر است. (میتچل، ۲۰۱۱) به عبارت دیگر، در این روش گفتوگو، استماع و تفسیر داده فرآیندی جدا از هم تلقی نمی‌شود، بلکه آن‌ها به طور متقابل به هم وابسته و در هم ادغام هستند. (چاتکا، ۲۰۰۵) از سوی دیگر روشهای تحلیل روایات بر مبنای هدف تحقیق، بافت پژوهش، نوع داستان، نوع پژوهش و مشارکت‌کننده‌ها بسیار متفاوت است. برای مثال برخی از مهمترین روشهای تحلیل روایی از نظر صاحب‌نظران عبارتند از: تحلیل موضوعی^۱، تحلیل ساختاری^۲، تحلیل نمایشی^۳ و تحلیل تعاملی^۴ (ریسمن، ۲۰۰۶)، تحلیل پارادایماتیک^۵ و طرز روایت‌اندیشه^۶ (برونر، ۱۹۸۵)، تحلیل کلگرا^۷، مقوله‌ای^۸، محتوایی^۹ و شکلی^{۱۰} (لیبلیچ و همکاران، ۱۹۹۸)، رویکرد توسعه‌ای روانی-اجتماعی^{۱۱}، رویکرد هویتی^{۱۲}، رویکرد جامعه‌شناختی^{۱۳}، رویکرد روایی قوم‌نگارانه^{۱۴} و رویکرد خودقوم‌نگارانه^{۱۵} (چاس^{۱۶}، ۲۰۰۵)، تحلیل واسازی^{۱۷}، تحلیل کلان-روایت^{۱۸}، تحلیل خردتاریخ^{۱۹}، تحلیل شبکه‌حکایات^{۲۰}، تحلیل بینامتنیت^{۲۱}، تحلیل پیرنگ^{۲۲}، تحلیل علمی^{۲۳} و تحلیل مضمون^{۲۴} (بژه^{۲۵}، ۲۰۰۱)، تحلیل روایات^{۲۶} و تحلیل روایی^{۲۷} (پالکینگهورن، ۱۹۸۸)، تحلیل کلگرا و مقوله‌ای^{۲۸} و تحلیل گفتمان^{۲۹} (هالووی و فرشدر، ۲۰۰۷).

در ادامه برای روشن‌گری بیشتر در مورد روشهای تحلیل مطروح شرح مختصری از برخی از مهمترین این روش‌ها در جدول (۱) ارائه گردیده است.

جدول (۱): برخی از روش‌های تحلیل روایت

1. thematic analysis
2. structural analysis
3. visual analysis
4. Interactional Analysis
5. paradigmatic
6. narrative modes of thought
7. Holistic
8. Categorical
9. Content
10. Form
11. psychosocial developmental approach
12. identity approach
13. sociological approach
14. narrative ethnographic approach
15. auto ethnographic approach
16. Chase
17. Deconstruction analysis
18. Grand narrative analysis
19. microstoria analysis
20. story network analysis
21. Intertextualit  analysis
22. plot analysis
23. causality analysis
24. thematic analysis
25. Boje
26. analysis of narratives
27. narrative analysis
28. Holistic and categorical analysis
29. Discourse analysis

فرآیند تحلیل	انواع روش‌های تحلیل روایی	پژوهان نظریه پردازان
متن به اجزاء و پاره‌های مختلف آن تفکیک و با مجزا شدن اجزای متن، عناصر متعدد متشکله آن شناسایی می‌شوند و از این طریق تناقضات و مفروضات موجود در آن آشکار می‌سازد. لذا وظیفه تحلیلگر این است که با تأمل در تمام روایت‌ها، معانی و تجربیات افراد را مورد بازبینی، بازسازی، تفسیر و ساخت شکنی قرار دهد.	تحلیل و اساسی	
پژوهشگر به جای این که به دنبال خلق یک روایت یک‌دست و یکپارچه باشد، باید از طریق ایجاد آگاهی و مدارا نسبت به تفاوت، ابهام، عدم قطعیت و تضاد موجود در روایتها به نوآوری مفهومی و از هم گسیختن داستانها و روایت‌های مفهومی وحدتبخش باشد.	تحلیل کلان-روایت	
چون در پژوهش‌ها، موضوعات از منظر گروه‌ها و افراد مسلط و غالب بررسی می‌شود، روایات و نظرات متعلق به افراد خرد یا کوچک از قلم انداخته، به حاشیه رانده و نادیده گرفته می‌شود. وظیفه پژوهشگر روایی این است که تمام صداها را بشنود، نه فقط صداهای مسلط را.	تحلیل خردتاریخ	
شاخه‌ای از علوم اجتماعی و رفتاری است که میکوشد پیوندها و ارتباطات بین افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها را به تصویر بکشد. در این روش برای تحلیل و ترسیم حکایات از نرم‌افزارهایی مانند اتنوگراف ^۱ ، نودایست ^۲ ، ان ویوو ^۳ و دیگر نرم افزارهای تحلیل متن استفاده می‌شود.	تحلیل شبکه روایت‌ها	:۳
مطابق این رویکرد هیچ روایتی به طور ناگهانی یا بدون گذشته ایجاد نمی‌شود، بلکه همیشه، از پیش، چیزی خیالی یا واقعی وجود داشته است، لذا تمام روایت‌ها دارای سابقه و گذشته هستند. وظیفه پژوهشگر این است که روایات را با توجه به این که هر روایت از روایت‌های دیگری که نویسنده و خواننده، شنیده یا خوانده و از زمینه‌های فرهنگی مرتبطی که یک روایت تأثیر پذیرفته است، مورد تحلیل قرار دهد.	تحلیل بینامتنیت	
پیرنگ چیزی است که رویدادها را در درون ساختاری روایی به هم ربط می‌دهد. پیرنگ سازی، ساختن داستان در پیرفت پیوسته ای از کنش‌ها و رویدادهاست.	تحلیل پیرنگ	
تحلیل علیتی میکوشد تا با روشی تجربی علت وقوع یک رویداد را به یک رویداد دیگر مرتبط سازد. در این مسیر نیز سه نوع علیت وجود دارد: علیت فیزیکی یا زایشی ^۴ ، علیت روانشناختی ^۵ و علیت توالیگرا ^۶ .	تحلیل علی	
یک روش تحلیل کیفی است که آمیزه‌ای از روش‌های قیاسی، استقرایی و چرخش درونی - بیرونی را مورد استفاده قرار می‌دهد. داده‌های مورد تحلیل در این روش شامل داده‌های متنی، مصاحبه‌ای و مشاهده‌ای است. پژوهشگر از طریق طبقه‌بندی، کدگذاری، تحلیل و الگویابی درون و برون داده‌ای به یک سخنشناسی تحلیلی دست می‌یابد.	تحلیل مضمون	



هالووی و فرشدر	تحلیل کل‌گرا و مقوله‌ای	روایتها بر اساس ژانر (کمدی یا تراژدی) و یا جهت (هدف) مورد بازشناسی قرار می‌گیرد. این روش به پژوهشگر کمک می‌کند تا حوادث و تجربه‌هایی را که مشارکت‌کننده نقل می‌کند، تشخیص دهد و تفسیر کند. لذا روایت-ها را می‌توان بر اساس پیشرفت یا تسلسل و ثبات راوی یا شخصیت‌های داستان‌ها توصیف کرد.
	تحلیل گفتمان	به بررسی زبان در عمل و بافت‌ها متمرکز است و مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها را مورد بررسی قرار میدهد.
ریسمن	تحلیل موضوعی	عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. در این روش به محتوای اصلی هر روایت پرداخته می‌شود؛ این که چه چیزی گفته می‌شود و روایات پیرامون چه مضمونی است.
	تحلیل ساختاری	تأکید بر فرم و شکل روایت است. اینکه راوی چگونه با انتخاب شیوه‌ای خاص مضامین را می‌چیند و داستان را پیش می‌برد. چرا راوی از میان انتخاب‌های گوناگون، چنین شیوه روایی را برگزیده است.
	تحلیل نمایشی	به بافت خاص داستان‌ها تأکید دارد. از جمله شرایط اجتماعی-تاریخی و تأثیرات متقابل مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده بر هم.
	تحلیل تعاملی	بر بیان استوار است و به طور کلی مجموعه چیزهایی را که از نظر دیداری منتقل‌کننده معنا و مفاهیمی از داستان باشد، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.
پالکینگ هورن	تحلیل روایت	پژوهشگر از داستان‌ها به سوی عناصر مشترک حرکت می‌کند و آن‌ها را با استفاده از فرآیندهای پارادایمی تجزیه و تحلیل می‌کند و از طریق این تحلیل‌ها مضامین موجود در سراسر داستان توصیف و زمینه، نوع و شخصیت‌های داستان رده‌بندی می‌شود.
	تحلیل روایی	پژوهشگر از برهان‌های روایی ^۷ شکل دهنده داده در داستانها و تحلیل‌های عمیق استفاده می‌کند. به عبارت دقیقتر تحلیل روایی فرآیند ترکیب تجارب و معانی و بازگردانی مجدد آن به عنوان یک روایت ترکیبی است. در این روش از عناصر به سوی داستان‌ها پیش می‌رویم.

با در نظر گرفتن روش‌های تحلیل فوق، می‌توان اذعان داشت که اگرچه یک روش واحد در تحلیل پژوهش‌های روایی وجود ندارد، اما برخی عناصر مثل شکل^۱، محتوا^۲ و بافت^۳ در همه پژوهش‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد (مندیتا^۴، ۲۰۱۲). از طرف دیگر، یکی از اصلیت‌ترین فرآیندهایی که در همه روش‌های تحلیل روایی وجود دارد، کدگذاری است. (کرسول، ۲۰۱۲) از نظر آنجوس^۵ و هارتک^۶ (۱۹۹۴) در کدگذاری روایی داستان‌های افراد در یک فرآیند متوالی درونی^۷، بیرونی^۸ و تأملی^۹ طبقه‌بندی می‌شود. فرآیندهای درونی احساسات مشارکت‌کنندگان یا ادراکات شخصی افراد از تجارب را در برمی‌گیرد، فرآیندهای بیرونی بیشتر محتوای داستان‌ها،

1. form
2. content
3. context
4. Mendieta
5. Angus
6. Hardtke
7. Internal
8. External
9. Reflexive

موردی از قبیل: چه کسی، چه چیزی، چه زمانی و کجا را شامل می‌شود و فرآیندهای تأملی به عبارات و جملاتی که مشارکت‌کننده‌ها احساسات و فهم خود از یک تجربه را از طریق آن بیان کرده‌اند، در برمی‌گیرد. (بوسلاتو، ۲۰۱۱) در فرآیند تحلیل، داده‌ها را می‌توان به سه شکل اساسی کوتاه‌پاسخ^۱، عددی^۲ و روایی^۳ طبقه‌بندی کرد. (پالکینگهورن، ۱۹۹۵) اما نکته اساسی این است که در پژوهش روایی اطلاعات جمع‌آوری شده به عنوان متن‌های زمینه‌ای تعریف می‌شوند. از نظر کانلی و کلاندینین (۲۰۰۰) این متن‌ها کارکردی دوگانه دارند، یعنی در این متن‌ها نه تنها ما باید در جستجوی تجارب مشارکت‌کنندگان به عنوان یک تجربه باشیم، بلکه تجربیات پژوهشگران از این تجربیات نیز خود یک داستان تلقی می‌شود. (بوسلاتو، ۲۰۱۱) بنابراین واضح است که تحلیل روایت در عین سادگی فرآیند بسیار پیچیده‌ای است و اینکه کدام رویکرد می‌تواند در تحلیل مناسب‌تر باشد، به متغیرهایی چون روایتگر، روایت‌پژوه، هدف و بستر تحقیق بستگی دارد.

■ چگونگی اعتباربخشی به داده‌های روایی

در پژوهش روایی هدف یافته‌ها بیشتر فهم زمینه‌ای و قابل اطمینان، با تمرکز بر واقعیت‌های بیانی در تجربیات افراد است. این روش ادعا نمی‌کند که می‌تواند واقعیت را به دقت تشریح کند، بلکه هدف این است که یافته‌ها حداکثر هم‌گرایی و تشابه را با واقعیت و حقیقت داشته باشد، (کرسول، ۲۰۱۲) زیرا روایت در جستجوی حقیقت نیست، روایت بیشتر دعوتی است از دیگران تا آنچه را دیده شده است، ببینند و در این تجربیات تشریح سهیم شوند (شعبانپورکی، ۱۳۸۵) از نظر پالکینگهورن (۲۰۰۷) در روایی، دانش اعتباریابی به جای این که فرآیندی مکانیکی^۴ تلقی شود، عملی منطقی^۵ است، لذا هدف فرآیند اعتباریابی توجیه خواننده‌ها و تدارک مبنایی برای فهم اعمال انسان است. (به نقل از میتچل و ایگدو، ۲۰۰۳) پالکینگهورن (۱۹۹۸) معتقد است در این روش، میزان روایی به تحلیل معنادار^۶ نتایج پژوهش و پایایی به میزان قابلیت اعتماد به متن و یادداشت‌ها وابسته است. ریسمن (۲۰۰۶) برای اعتباربخشی به چهار مفهوم شامل: سطح متقاعدکنندگی^۷، تطابق^۸، انسجام^۹ و کاربرد عملی^{۱۰} اشاره کرده است. لیبلیچ^{۱۱} و همکاران (۱۹۹۸) نیز چهار معیار در ارزیابی پژوهش‌های روایی

1. short answer
2. numerical
3. narrative
4. Mechanical process
5. argumentative practice
6. meaningful analysis
7. Persuasiveness
8. Correspondence
9. coherence
10. Pragmatic Use
11. Lieblich

ارائه کرده‌اند، که عبارتند از:

۱. وسعت^۱: اشاره به جامعیت و مقدار شواهدی دارد که در کاوش روایت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است و خواننده آن‌ها را مورد ارزیابی و قضاوت قرار می‌دهد.
 ۲. انسجام^۲: عبارت است از روشهای متنوع تفسیر برای ارائه یک تصویر کامل و معنی‌دار از روایت‌ها. آنها دو نوع انسجام شامل: انسجام درونی^۳ (چگونگی تناسب بخشهای مختلف روایات) و انسجام بیرونی^۴ (چگونگی مقایسه پژوهش‌های قبلی و موجود در تحقیق) را از هم تفکیک کرده‌اند.
 ۳. درک پیشرو^۵: عبارت است از حس نوآوری و اصالت در ارائه و تجزیه و تحلیل روایت‌ها. برای مثال این سؤال طرح می‌شود که آیا این پژوهش می‌تواند خواننده را به کسب یک بینش در زندگی شخصی سوق دهد یا خیر؟
 ۴. آساک^۶: عبارت است از توانایی ارائه تحلیلها بر مبنای تعداد کمی از مفاهیم مناسب و مقتضی. به عبارت دقیقتر این ویژگی به شایستگی ادبی شفاهی یا کتبی در ارائه روایات اشاره می‌کند.
- ریسمن (۱۹۹۳) و لیبلیچ و همکاران (۱۹۹۸) نیز اعتباربخشی به واسطه جلب توافق آرا، از طریق به اشتراک‌گذاری دیدگاه‌ها و بررسی نتایج تحقیق از نظر پژوهشگران علاقه‌مند و افراد مطلع را مورد تأکید قرار داده‌اند. آن‌ها معتقدند تأییدپذیری نتایج، یکی از اصلی‌ترین روشهای اعتباربخشی در پژوهش‌های روایی است. (به نقل از گیوانولی، ۲۰۰۳: ۴۳)
- لذا پژوهشگران باید دلایل کافی برای خواننده‌ها ارائه دهند، چون خواننده‌ها بر مبنای مدارک ارائه شده، متن را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. بنابراین روایت پژوهان باید بتوانند شواهد و مستندات ارائه دهند تا نتایج پژوهش برای خواننده‌ها مورد تصدیق و پذیرش قرار گیرد، (پالکینگهورن، ۲۰۰۷) برای نیل به این هدف هالوی^۷ و فرشدر^۸ (۲۰۰۷) و باسلتو^۹ (۲۰۱۱) بر معیارهای مورد نظر لینکلن و گوبا (۱۹۸۹) شامل: اطمینانپذیری^{۱۰}، باورپذیری^{۱۱}، انتقال‌پذیری^{۱۲} و تأییدپذیری^{۱۳} تأکید کرده‌اند.

1. Width
2. Coherence
3. internal coherence
4. external coherence
5. Insightfulness
6. Parsimony
7. Holloway
8. Freshwater
9. Bucellato
10. dependability
11. credibility
12. transferability
13. Conformability

به‌طور کلی در اعتباربخشی داده‌های روایی باید گفت، روش روایی مانند تحقیقات کمی نتایج قطعی تولید نمی‌کند و اعتبار یافته‌های آن بیشتر به داده‌های جمع‌آوری شده و نتایج به دست‌آمده از پژوهش وابسته است و نتایج آن جنبه تعمیمی یا تجویزی ندارد، بلکه بیشتر به توصیف یک امر خاص مربوط می‌شود. این روش به واقعیت‌های زبانی در ارائه تجارب انسانی در قالب یک سیستم غیررسمی تأکید دارد. لذا نتایج تحقیقات روایی ادعای مطابقت کامل را با آنچه اتفاق افتاده است، ندارد، به عبارت دیگر صحت نتایج این تحقیقات به معنای تطابق دقیق آن با واقعیات بیرونی نیست. (پالکینگهورن، ۱۹۸۸) بنابراین، به جای استفاده از رویکردهای سنتی اعتباربخشی باید بر اساس یک بازاندیشی، معیارهای سنجش جدید مثل، میزان دسترسی^۱، صداقت^۲، واقعیت‌نمایی^۳، اعتمادپذیری^۴، آشنایی^۵، انتقالپذیری^۶ و گزیده‌گویی^۷ در نظر گرفته شود. (وبستر و مرتووا، ۲۰۰۷) از طرف دیگر، چون انتخاب یک روش روایی به نوع داده‌ها و سؤال‌های پژوهش بستگی دارد، روش اعتباربخشی مقتضی نیز باید بر مبنای ماهیت جامعه و نمونه پژوهش انتخاب گردد. (گیوانولی، ۲۰۰۳) به نظر کانلی و کلاندینین (۱۳۸۸) نباید زبان ضابطه‌های روایت را به زبانی فروکاست که برای شکل‌های دیگر پژوهش ساخته شده است، زیرا زبان و ضابطه‌های ضروری برای انجام پژوهش‌روایی در جامعه پژوهشی به تدریج در حال شکل‌گیری است و در حال حاضر، هر پژوهنده‌ای خود باید ضابطه‌هایی را برگزیند و از آن‌ها دفاع کند که بیش از همه در پژوهش او به کار می‌آیند.

■ ملاحظات اخلاقی

پژوهش روایی مستلزم جمع‌آوری و متعاقباً تفسیر و ارائه تجارب زیسته افراد است. این فرآیند نیز ذاتاً بر مبنای یک تلاش رابطه‌محور به دست می‌آید. لذا در هر جنبه از فرآیند تحقیق، ملاحظات اخلاقی^۸ کاملاً قابل لمس است. (راتلن، ۲۰۰۷) از نظر کلاندینین و کاین (۲۰۱۳) ملاحظات اخلاقی از ارکان اصلی پژوهش روایی است. به طور معمول ملاحظات اخلاقی به عنوان نوعی طرز تفکر در مورد مسئولیت‌های متقابل مشارکت‌کننده و پژوهشگر در همه مراحل پژوهش تعریف می‌شود. (کلاندینین و هیوبر، ۲۰۱۰) به زعم کلاندینین (۲۰۰۶) در این روش پژوهشگر تلاش می‌کند تا اطلاعات را بر مبنای یک ارتباط همدلانه و احترام متقابل از تجارب واقعی و عمیق و از جنبه‌های مهم و معین‌دار زندگی مشارکت‌کننده‌ها به

1. access

2. honesty

3. verisimilitude

4. authenticity

5. familiarity

6. transferability

7. Economy

8. Ethical consideration



دست آورد. کلان‌دینین می‌افزاید، در پژوهش روایی تجارب و معانی با روابط پیوند خورده است و این روابط نیز در ارتباط آشکار به دست نمی‌آید، بلکه به اعتماد و تفاهم متقابل بین روایتگر و روایت‌پژوه وابسته است. بنابراین، به دلیل همین جنبه‌های ارتباطی، ملاحظات اخلاقی یکی از مهمترین ابعاد پژوهش روایی است. (به نقل از راتلن، ۲۰۰۷) اما مسئله قابل تأمل این است که در مطالعات روایی ماهیت روابط جنبه‌ای پدیدارشنونده و نوحاسته دارند. لذا در ابتدای پژوهش نمی‌توان بسیاری از مسائل اخلاقی را به شکل صریح و روشن پیش‌بینی کرد. برای مثال پیش از پژوهش از افراد می‌توان درخواست کرد تا با رضایت آگاهانه در تحقیق شرکت کنند اما از آن‌ها نمی‌توان این انتظار را داشت که یک رابطه عمیق و باز با پژوهشگر داشته باشند. از طرف دیگر، به دلیل پیچیدگی بافتی و بی‌همتایی مشارکت‌کننده‌ها، در این رویکرد امکان تنظیم یک خطوط راهنمای ثابت و تعریف شده اخلاقی وجود ندارد. در همین راستا میتچل (۲۰۱۱) معتقد است در ملاحظات اخلاقی به جای پیروی از یک رویکرد رویه‌ای^۱ باید از یک رویکرد بازاندیشانه^۲ بهره جست. از این رو بر مبنای همین ویژگی‌های خاص است که در بحث پیرامون ملاحظات اخلاقی، به جای رعایت اخلاق پژوهشی، مفهومی فراتر از آن به نام "اخلاق روایی"^۳ طرح می‌شود. (هالوی و فرشدر، ۲۰۱۱) اسمیت^۴ و ماری^۵ (۲۰۰۰) معتقدند اخلاق روایی به شکلی جدایی‌ناپذیر با مسائل معرفت‌شناختی پژوهش روایی در هم تنیده شده است. برای مثال، یکی از اصلیترین این موارد مالکیت روایتها^۶ است. مالکیت روایتها زمانی ایجاد می‌شود که پژوهشگر بر مبنای دیدگاه خود به تحلیل روایتها بپردازد و داستان زندگی مشارکت‌کننده‌ها را بر اساس یک دیدگاه کاملاً متفاوت با آنچه که مشارکت‌کننده‌ها نقل کرده‌اند، ارائه دهد. (اسمیت و ماری، ۲۰۰۰)

از نظر چاتکا (۲۰۰۵) یکی دیگر از ملاحظات اخلاقی مهم، مسئله تعارض نقش^۷ است. چاتکا معتقد است در پژوهش روایی در مقایسه با تحقیقات دیگر به دلیل تعامل نزدیک پژوهشگر و مشارکت‌کننده، احتمال اینکه پژوهشگر دچار تعارض نقش شود و مرزهای تحقیق را نادیده بگیرد، بیشتر است. این مسئله نیز زمانی بیشتر مشکل‌آفرین می‌شود که مشارکت‌کننده‌ها از یک بافت پژوهشی دیگری باشند. تعارض نقش همچنین زمانی به وجود می‌آید که پژوهشگر نسبت به مشارکت‌کننده‌ها احساس علاقه کند و یک غوطه‌وری عمیق^۸ با فرهنگ آن‌ها رخ دهد. (چاتکا، ۲۰۰۵) لیبلیچ (۱۹۹۶) و اسمیت و ماری (۲۰۰۰) نیز معتقدند به دلیل

1. procedural approach
2. reflexive approach
3. Narrative ethics
4. Smythe
5. Murray
6. Narrative Ownership
7. Role Conflict
8. depth immersion

ارتباطات چندگانه‌ای که در پژوهش روایی ایجاد می‌شود، پژوهشگر ممکن است دچار خطای تعارض علایق^۱ شود و نداند که در پژوهش باید نقش متخصص خبره، پژوهشگر یا یک دوست را داشته باشد. از طرف دیگر، چون محور پژوهش روایی معمولاً مصاحبه‌های غیررسمی است، ممکن است برخی از شرکت‌کنندگان بیش از این که این فرآیند را یک روند علمی در نظر بگیرند، آن را به مثابه یک سرگرمی تلقی کنند و فراموش کنند که در یک فعالیت علمی مشارکت دارند، در نتیجه ممکن است روایت‌هایی ارائه دهند که در راستای اهداف پژوهش نباشد.

علاوه بر ملاحظات اخلاقی مطروح، برخی از مهمترین رهنمون‌های اخلاقی در پژوهش روایی عبارتند از: گشودگی و احترام نسبت به تمام صداها در گفتگوهای روایی (کلاندینین، ۲۰۱۱)، ایجاد اطمینان خاطر از محرمانه بودن اطلاعات (راتلن، ۲۰۰۷، کلاندینین و هیوبر، ۲۰۱۰، لیزا، ۲۰۰۸، چاتکا، ۲۰۰۵)، حفظ حریم شخصی و گمنام ماندن مشارکت‌کننده‌ها (اسمیت و ماری، ۲۰۰۰، هالوی و فرشد، ۲۰۰۷)، آگاهی کامل مشارکت‌کننده‌ها از اهداف تحقیق، حساسیت نسبت به تغییرات زندگی مشارکت‌کننده‌ها، وفاداری نسبت به اطلاعات به دست آمده (بارخیزن و همکاران، ۲۰۱۴)، آزاد گذاشتن مشارکت‌کننده‌ها در صورت عدم همکاری در هر مرحله از پژوهش، کسب رضایت کامل مشارکت‌کننده‌ها، محافظت مشارکت‌کننده‌ها از هر گونه آسیب ممکن در فرآیند تحقیق (وبستر و مرتووا، ۲۰۰۷، راتلن، ۲۰۰۷) و تعهد به ارتباطات و تعاملات. (ترینر و گری، ۲۰۱۳)

به طور کلی، اطلاع از ملاحظات اخلاقی در هر مرحله از فرآیند پژوهش روایی ضروری است. به نظر چاتکا (۲۰۰۵) اگر ما تحقیقات خود را بدون در نظر گرفتن این ملاحظات پیش ببریم، عملاً ممکن است نتوانیم تحقیق خود را به انجام برسانیم. در نتیجه مسائل اخلاقی همیشه باید مدنظر قرار گیرد، چرا که پژوهش روایی مستلزم مشاهدات و ارتباطات متقابل است و این فرآیندها نیز مسائل اخلاقی خاص خود را می‌طلبند. کانلی و کلاندینین (۱۳۸۸) نیز اذعان داشته‌اند که جاذبه اصلی روایت به مثابه روش، در ظرفیت آن برای ارائه تجربیات زندگی شخصی و اجتماعی به شیوه‌هایی متناسب و معنی‌دار است. اما این ظرفیت در عین حال، شمشیر دو لبه پژوهشی است. زیرا گاهی ممکن است همان ضابطه‌هایی که مایه پیدایی اهمیت، ارزش، قصد و نیت می‌گردند، نادانسته بطلان و خطا را جایگزین معنا و حقیقت روایی سازند و نه تنها ممکن است فرد داده‌سازی کند و به نوشتن خیالی و پنداری بپردازد، حتی ممکن است داده‌ها را به کار گیرد تا به همان سادگی دروغ بگوید که حقیقتی را می‌گوید. بنابراین ملاحظات اخلاقی با تار و پود پژوهش روایی در هم تنیده شده است و

1. Conflict of Interest

آگاهی از آن الزام و مجربایی برای صحت و اعتبار این روش است.

■ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

روایتگری به مثابه یک روش این اجازه را به پژوهشگر می‌دهد تا با ایجاد یک موقعیت نزدیک و خودمانی با مشارکت‌کننده‌ها تجربیات آنها را بر مبنای زمان و بافتی که در آن قرار دارند، به شکلی عمیق مورد کاوش قرار داده، (کانلی و کلاندینین، ۲۰۱۰) رویکردی کیفی برای بیان موضوعات در قالب ادبی مهیا کند (کرسول، ۲۰۱۲) و تجربیات افراد را با تمام غنا و پیچیدگی به تصویر بکشد. (وبستر و مرتووا، ۲۰۰۷) در چند دهه گذشته روایتگری و به طور خاص پژوهش روایی در بسیاری از رشته‌ها مورد توجه قرار گرفته است و در رشته‌هایی چون علوم اجتماعی، روانشناسی و علوم تربیتی به طور فزاینده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. (بوسلاتو، ۲۰۱۱، وبستر و مرتووا، ۲۰۰۷) این روش در هر دو نوع تحقیقات بنیادی و کاربردی قابل استفاده است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که روایت پژوهشی می‌تواند در تمام علوم اجتماعی و پزشکی مورد استفاده قرار گیرد. (لیبلیچ و تووال، ۱۹۸۸) از این روش می‌توان در تحقیقات مقدماتی برای تهیه ابزار عینی جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرد. افزون بر این، برای به دست آوردن اطلاعات عمیق در نمونه‌ای کوچک از یک جامعه بزرگ و در بررسی مشکلات واقعی زندگی نیز قابل استفاده است. (گیوانولی، ۲۰۰۳)

اما با تمام مزیت‌های فوق، این رویکرد از زوایای گوناگونی مورد نقد قرار گرفته است. یکی از مهمترین این انتقادات به صحت و اعتبار روش‌شناختی آن مربوط می‌شود (چاتک، ۲۰۰۵). چون عنصر ذهنیت مهمترین منبع روایت‌ها است، (وبستر و مرتووا، ۲۰۰۷) و روایت‌ها نیز جنبه‌های احساسی، غیرمنطقی، خنده‌دار، غمانگیز و حتی تخیلات را در برمی‌گیرد، در نتیجه از نظر منتقدین نمی‌توان ادعای عینیت برای پژوهش روایی قائل شد. (چاتک، ۲۰۰۵) از سوی دیگر، به زعم منتقدین، واقعیت مشترک (فهم مشترک راوی در تفسیر و تبیین)، گذرا، مقطعی و ناپایدار است. هم برای راوی و هم برای شنونده روایت، موقعیت‌های وضعیتی متفاوتی برای تنظیم و چک کردن وجود دارد که می‌تواند دیدگاه متفاوتی را در میان دو طرف شکل دهد و در نتیجه اعتبار داستان را مخدوش سازد. حتی هنگامی که توافق و تأیید مشترک ایجاد می‌شود، واقعیت برای همیشه تضمین شده نیست و امکان تفسیرهای جایگزین از آن وجود دارد (ذکایی، ۱۳۸۷: ۹۱). برای مثال، ممکن است پژوهشگران نتایج روایتها را بر اساس اهداف قبلی خود یا به نفع افرادی که برنامه پژوهشی تحت حمایت آنها است، تفسیر کنند. اما مسئله این است که، در همه پژوهشها حتی در تحقیقات علوم طبیعی نیز می‌توان عناصری از ذهنیت را یافت، در حقیقت پژوهشگر با مجموعه‌ای از ارزشها، تمایلات و تعصبات شخصی وارد میدان پژوهش می‌شود و این عناصر نیز یافته‌ها و اهداف

تحقیق را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (وبستر و مرتووا، ۲۰۰۷) نقد دیگر به دشواری یک داستان واحد که تجربیات غنی افراد را در بر بگیرد مربوط می‌شود. (چاتکا، ۲۰۰۵) در حقیقت، در فرآیند پژوهش ممکن است پژوهشگران با طیف وسیعی از داستانها و تجارب مواجه شوند که همگرایی آنها با هم کم، یا اصلاً ناهمخوان باشند، در نتیجه امکان یک بررسی عمیق و نتیجه‌گیری به حداقل میرسد.

دانپت^۱ (۲۰۰۰) نیز معتقد است یکی از محدودیت‌های پژوهش‌روایی به نمونه‌های کوچک آن مربوط می‌شود. او معتقد است در این روش بررسی نمونه‌ها بر مبنای مشاهده طولانی‌مدت و یا مصاحبه عمیق است و روایتها غنا و عمق تحقیقات تجربی را که بر مبنای نمونه‌های بزرگ به دست می‌آید، ندارد. اما با توجه به این انتقادات و محدودیت‌های دیگری چون ضعف در تبیین علمی فرآیندهای اجتماعی، توجه بیشتر به شناخت‌شناسی به جای بسط و تدقیق روش‌شناختی، انتخابی بودن معیارها برای تعیین و تفسیر جهت‌علیت و امکانپذیر نبودن بیان همه تجارب و عرصه‌ها در قالب روایت اجتماعی، (ذکایی، ۱۳۸۷: ۹۳) باید به این نکته تأکید داشت که پژوهشگر با التزام عملی به مهارت‌های روایت‌پژوهشی مانند: تفکر روایت‌مند^۲، بازاندیشی^۳، خودآگاهی^۴، یکدلی^۵، نفوذپذیری^۶، حرکت بین اندیشه و عمل^۷، استمرار^۸، ارتباط^۹، تعامل^{۱۰}، پیوستگی^{۱۱} و گفتگو میتواند به این محدودیتها فائق آید. (هالووی و فرشدر، ۲۰۰۷)

در این مقاله سعی شد تا مفهوم نظری و عملی پژوهش‌روایی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. روایت‌پژوهشی که تجدید علاقه به آن مرهون چرخش^{۱۲} معرفت‌شناختی دهه ۱۹۷۰ در سنت علوم اجتماعی است و چارچوبی محوری برای فهم تجارب انسانی فراهم می‌کند. بنیاد روش‌شناختی این رویکرد، داستان، روایات و مجموعه‌ای از تجارب حول یک رخداد یا پدیده در بستر زمان است. پیش‌فرض اصلی پژوهش‌روایی این است که وقایع اجتماعی در وحله اول واقع‌ای روایی هستند، لذا این اذهان هستند که به رخدادها و وقایع معنا می‌دهند. معناسازی و معنادهی نیز با بافت زندگی و بستر زمان در هم تنیده شده است و با تغییر و تعدیل روایتها معانی نیز پیوسته دچار تغییر میشوند. با این اوصاف، تجارب غنی

1. Dhunpath
2. narratively Thinking
3. Reflexivity
4. Self-awareness
5. empathy
6. Permeability
7. Move between reflection and action
8. Continuity
9. Communication
10. Interaction
11. Connection
12. turn



همواره زنده، پویا و ماندگار هستند و رابطه متقابلی بین معانی و روایات وجود دارد. پژوهش روایی امکان تفسیر و تحلیل این معانی و تجارب را فراهم می‌کند و چون این روایات با بافت زیستی- اجتماعی انسانها پیوند خورده است، استخراج این تجارب زیسته می‌تواند امکان دریافت بینشی عمیق در مورد پدیده‌ها و صورت‌بندی مسائل فراهم نماید. لذا پرواضح است که آشنایی با اصول و مبانی روش‌شناختی پژوهش روایی برای پژوهشگران و علاقه‌مندان می‌تواند بسیار مفید و ضروری باشد. از این رو پیشنهادات زیر می‌تواند در گستره تربیت معلم و پژوهشهای مرتبط با تدریس و یادگیری مدنظر پژوهشگران و کنشگران آموزشی قرار گیرد:

- تشویق دانشجومعلمان به روایت نگاری علمی از تجارب دوران دانشجویی و تحلیل و تأمل روی آنها
- تشویق دانشجومعلمان به خاطره‌گویی و شرح حال نویسی از تجارب خویش بر اساس مقاطع تحصیلی پیش از دانشگاه و تحلیل و بررسی گروهی آنها
- توجه و حمایت بیشتر از دانشجومعلمان در گزارش نویسی روایی در واحدهای درسی کارورزی
- کاربست پژوهش روایی در کاوش پدیده‌ها و متغیرهایی مرتبط با تدریس و یادگیری
- انتشار تجارب تأمل برانگیز معلمان و دانشجویان در نشریات و مجلات علمی- تخصصی
- به اشتراک‌گذاری تجارب معلمان در بستر روایت پژوهی در راستای تسهیم و انتقال دانش به جامعه
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی در دانشگاه فرهنگیان برای آشنایی نظری و عملی با روش انجام پژوهش روایی

■ فهرست منابع

۱. برنامه مصوب کارورزی، (۱۳۹۴)، سرفصل دروس کارورزی دوره‌های کارشناسی پیوسته، معرفی منطق درس، معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه فرهنگیان.
۲. ترینس، ج، (۱۳۹۱)، **روایت‌شناسی شکل و کارکرد روایت**، ترجمه محمد شهباز، تهران: انتشارات مینوی خرد.
۳. ذکایی، م، (۱۳۸۷)، **روایت، روایتگری و تحلیل‌های شرح حال نگارانه، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی**، ویژه نامه پژوهشهای اجتماعی.
۴. کانلی و کلاندینین، (۱۳۸۸)، **پژوهش روایی: تجربهای داستان شده (ادموند شورت)**، **روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی**، ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران، تهران: انتشارات سمت.
۵. صادقی‌فسایی، س و عرفان‌منش، ا. (۱۳۹۴)، **مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی؛ مورد**

- مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، دوره ۸، شماره ۲۹.
۶. شعبانی‌ورکی، ب. (۱۳۸۵)، *منطق پژوهش در علوم تربیتی و اجتماعی: جهت‌گیری نوین*، مشهد: انتشارات به‌نشر.
7. Barkhuizen, G, Benson, Ph, and Chik, A. (2014). *Second Language Acquisition Research Series: Theoretical and Methodological Issues*. Rutledge Publications.
 8. Boje, David. M. (2001). *Narrative Methods for Organizational and Communication Research*. SAGE Publications.
 9. Buccellato, B (2011). *A Narrative Inquiry Exploring the Stories of Two Individuals Experience of Narrative Therapy and Inpatient 12-Step Addiction Treatment*. A Dissertation Presented to the Faculty of the Marital and Family Therapy Program. Doctorates in Psychology. University of Irvine. California,
 10. Chataika, T (2005). *Narrative Research: What's in a Story? 8th Nordic Network for Disability Research Conference*. University of Sheffield. UK.
 11. Chase, S. E. (2005). *Narrative Inquiry: Multiple lenses, approaches, voices*. In N. K. Denzin & Y.S. Lincoln (Eds.) *Handbook of qualitative research* Thousand Oaks, CA: Sage.
 12. Clandinin, D. J (2011). *Narrative Inquiry: A Methodology for Studying Lived Experience*. *Research Studies in Music Education* .27: 44.
 13. Clandinin, D. J (2006). *Handbook of Narrative Inquiry: Mapping a Methodology*. SAGE Publications.
 14. Clandinin, D. J and Caine V. (2013). *Narrative Inquiry 12 . Reviewing Qualitative Research in the Social Science*. Published by Routledge.
 15. Clandinin, D. J., & Connelly, F. M. (2000). *Narrative inquiry: Experience and story in qualitative research*. San Francisco: Jossey-Bass.
 16. Clandinin, D. J., & Huber, J. (2012). *Narrative inquiry*. In B. McGraw, E. Baker, & P. Peterson (Eds.), *International encyclopedia of education* (3rd Ed.). New York: Elsevier.
 17. Clandinin D J, Huber, J (2010). *Narrative Inquiry*. Elsevier *Qualitative Research*.
 18. Connelly, F. M& Clandinin, D, J (1990). *Stories of Experience and Narrative Inquiry*. *Educational Researcher*, Vol. 19, No. 5.
 19. Creswell, J. W. (2012). *Educational research: planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research*. Library of Congress Cataloging-in-Publication Data.
 20. Giovannoli, R (2003). *The Narrative Method of Inquiry*. <http://www.sonic.net/~rgiovan/essay.2.PDF>.
 21. Gough, Noel (2008). *Narrative experiments and imaginative inquiry*. *Journal of South African Education*. (Special issue on 'Trends and Innovation in Education Research, 10.
 22. Holloway, I. Freshwater, D (2007). *Narrative Research in Nursing*. Blackwell Publishing.
 23. Kitchen, J. Parker, D. C., Pushor, D., (Eds.). (2011). *Narrative Inquiries Into Curriculum-making in Teacher Education*. Emerald Group Publishing.

24. Leavy, P (2014). *The Oxford Handbook of Qualitative Research*. Oxford University Press Published.
25. Lieblich, A, Tuval, M, R (1998). *Tamar Zilber Narrative Research: Reading, Analysis, and Interpretation*. SAGE Publications.
26. Lisa. M. G .(2008). (2008). *The Sage encyclopedia of qualitative research methods*. Sage Publications.
27. Mendieta, J, A. (2012). *Narrative research: An alternative approach to study language teaching and learning*. Universidad Pedagogic National. Faculty added Humanities.
28. Mitchell, C (2011). *A narrative inquiry of women's lives in Mugu, Nepal: identities, power relations and education*. Submitted for the degree of Doctor of Philosophy. Queen's University Belfast.
29. Mitchell, M and Egudo, M (2003). *A Review of Narrative Methodology*. Published by DSTO Systems Sciences Laboratory.
30. Petra. M, H. (2009). Narrative as Inquiry. *The Journal of Educational Research*, 103:2.
31. Polkinghorne, D. E. (2007). Validity Issues in Narrative Research. *Qualitative Inquiry* Volume 13 Number 4.
32. Polkinghorne, D. E. (1995). Narrative configuration in qualitative analysis, *International Journal of Qualitative Studies in Education*, 8:1.
33. Riessman, C.K. (2006) *Narrative analysis*. In: Juppe V. (Ed.) *the Sage Dictionary of Social Research Methods*. London, Sage. pp. 186-189.
34. Ruthellen, J (2007). *The Ethical Attitude in Narrative Research*. Chapter 21: in Clandinin. D. J book. *Principles and Practicalities. Handbook of Narrative Inquiry: Mapping a Methodology*. Publishing Company: Sage Publications, Inc.
35. Trainor, A. A. and Graue, E (2013). *Reviewing Qualitative Research in the Social Science*. Published by Routledge.
36. Smythe, E, W & Maureen J. M. (2000). *Owning the Story: Ethical Considerations in Narrative Research*, *Ethics & Behavior*, 10:4.
37. Spector, G .M. (2010). Narrative research Time for a paradigm. *Narrative Inquiry* 20:1
38. Webster, L and Mertova, P (2007). *Using Narrative Inquiry as a Research Method*. Rutledge Publications.